[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پی‌رفت‌ها، رابطه‌ها، کارکردها در داستان کوتاه

فروغ صهبا*
محمدرضا عمران‌پور**
راضیه آزاد***

چکیده

این پژوهش داستان کوتاه فارسی را از دیدگاه نظریهٔ روایت‌شناسی تزوتان تودوروف مطالعه کرده است. فرضیهٔ جستار حاضر مبنی بر امکان وجود انواع گوناگونی از روابط میان پی‌رفت‌هاست. تصور می‌شود هر نوع رابطه‌ای که میان پی‌رفت‌ها برقرار شود کارکرد یا کارکردهایی داشته باشد. جهت بررسی این دو فرضیه هفت مجموعه داستان کوتاه فارسی از نویسندگان برجسته برگزیده شد. این مجموعه‌ها از *یکی‌بود و یکی‌نبود* جمالزاده به‌عنوان سرآغاز این ژانر در ادبیات فارسی تا *غریبه‌ها* اثر احمد محمود دوره‌ای پنجاه‌ساله را در برمی‌گیرد و جمعاً شامل شصت‌وسه داستان کوتاه است. در بخش اصلی مقاله مجموعه داستان‌های گزینش‌شده به‌شیوهٔ استنتاجی تحلیل و بررسی شد. درنهایت، با به‌اثبات‌رسیدن فرضیه‌ها این نتیجه به‌دست آمد که میان پی‌رفت‌های روایات داستانی انواع گوناگونی از روابط مانند رابطهٔ تقابلی، رابطهٔ خاطره‌ای، رابطهٔ پرسش و پاسخی و... وجود دارد که هریک کارکردهایی نظیر پیش‌آگاهی، برجسته‌سازی مضمون داستان، شرکت‌دادن نمایشی خواننده در خلق داستان، ایجاد حالت تعلیق و... دارد.

کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی، روایت داستانی، تزوتان تودوروف، داستان کوتاه، پی‌رفت.

* دانشیار دانشگاه اراک f-sahba@araku.ac.ir
** دانشیار دانشگاه اراک m-omranpour@araku.ac.ir
*** دانشجوی دکتری دانشگاه اراک raziye.azad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۳۰

فصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۱، شمارهٔ ۷۴، بهار ۱۳۹۲

درآمد

یکی از تأثیرگذارترین نظریات زبان‌شناسی در حیطهٔ روایت‌شناسی ساختارگرا تمایزی است که فردینان دوسوسور میان زبان و گفتار قائل می‌شود. از دید او، زبان دستور یا نظام زیربنایی و گفتار کاربرد این نظام یا به‌تعبیری کنش گفتاری است. روایت‌شناسان به تأسی از همین دیدگاه سوسور به زبان، ادبیات را دارای سطحی زیربنایی تلقی می‌کنند که دربرگیرندهٔ نظام پایه یا دستور روایت است (گرین، ۱۳۸۳: ۱۰۲). مطالعهٔ دستور زبان با واج، به‌عنوان کوچک‌ترین جزء فاقد معنا، آغاز می‌شود. بر همین اساس روایت‌شناسان جهت کشف دستور روایت کار خود را از کوچک‌ترین واحد روایی آغاز می‌کنند. رامان سلدن توضیح می‌دهد روایت‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که در تمام آثار داستانی باید واحدهای روایی پایه را که کوچک‌ترین جزء یک روایت محسوب می‌شوند به دست آورد، زیرا تمام گفته‌های ویژهٔ زبان‌شناختی، چه گفتاری باشد و چه نوشتاری، برپایهٔ یک دستور زبان استوار است که می‌تواند مجموعهٔ نامحدودی از گفته‌ها را ایجاد کند (سلدن، ۱۳۷۵: ۱۱۷ و ۱۱۸). روایت‌شناسان به دنبال کشف واحدهای روایی پایه و قوانین ترکیب این واحدها هستند. یکی از دلایلی که آنان برای به‌کاربستن چنین روشی ارائه می‌دهند این اعتقاد است که مطالعهٔ ساختار آثار ادبی زمینه را برای مقایسه‌های اصولی و قاعده‌مند فراهم می‌کند و در نتیجه فرایند درک آثار ادبی را ارتقا می‌بخشد (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۳۳). از جملهٔ روایت‌شناسان ساختارگرا تزوتان تودوروف است که به تحلیل یک‌صد قصه از *دکامرون* اثر بوکاچیو می‌پردازد و نظریهٔ خود را براساس آن بیان می‌کند.

معرفی نظریهٔ تزوتان تودوروف

تودوروف یکی از نظریه‌پردازان بنام روایت‌شناسی ساختارگرا محسوب می‌شود (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۵۳) که نظریه‌اش را با توجه به اندیشه‌های رولان بارت ارائه داده است (صافی پیرلوجه، ۱۳۸۷: ۱۴۶). تودوروف در کتاب *دستور زبان دکامرون* (۱۹۶۹) نظریهٔ خود را بر پایهٔ زبان‌شناسی بنا می‌نهد (مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۵۱). همان‌گونه که در روش ساختارگرایی مرسوم است، او کار خود را با کوچک‌ترین واحد روایی -که آن را گزاره می‌نامد -آغاز می‌کند. او سطحی بالاتر از گزاره‌ها را هم در نظر می‌گیرد و اصطلاح "پی‌رفت" را دربارهٔ آن به‌کار می‌برد و اظهار می‌دارد که پی‌رفت می‌تواند احساس روایتی کامل را در خواننده ایجاد کند و به همین دلیل از پنج گزاره تشکیل می‌شود:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پی‌رفت	۱. موقعیتی متعادل تشریح می‌شود. ۲. نیرویی موقعیت متعادل را برهم می‌زند. ۳. موقعیتی نامتعادل به‌وجود می‌آید. ۴. نیرویی برخلاف نیروی گزارهٔ دوم موقعیت متعادل را برقرار می‌کند. ۵. موقعیت متعادل تازه‌ای ایجاد می‌شود.

به بیان دیگر، یک روایت آرمانی با موقعیت پایداری آغاز می‌شود که نیرویی آن را آشفته کرده است. پیامد آن حالت عدم تعادل است. سپس با عمل نیرویی درخلاف جهت نیروی پیش‌گفته تعادل برقرار می‌گردد. این تعادل دوم شبیه تعادل نخست است، اما این دو هیچ‌گاه یک‌چیز نیستند (تودوروف، ۱۳۸۲: ۹۱).

روایت داستانی ممکن است از چند پی‌رفت کامل یا تنها از بخشی از یک پی‌رفت یعنی پی‌رفتی ناقص تشکیل شده باشد (تودوروف، ۱۳۸۸: ۷۵). تودوروف سپس نتیجه می‌گیرد که در روایت دو نوع اپیزود وجود دارد: یکی اپیزود وضعیت که موقعیت متعادل اولیه و موقعیت متعادل تازه‌ای را تشریح می‌کند که در انتهای روایت ایجاد می‌شود و دیگر اپیزود گذار که حالت متعادل را برهم می‌زند. بنابر گفتهٔ تودوروف، ویژگی اپیزودهای وضعیت در این است که ایستا و همراه با تکرارند، درحالی‌که اپیزود گذار همراه با پویایی و عدم تکرار است (تودوروف، ۱۳۸۲: ۹۱).

هنگامی‌که روایتی شامل چندین پی‌رفت باشد این پی‌رفت‌ها می‌توانند به سه شکل در روایت ترکیب شوند:

۱. درونه‌گیری: در این روش به‌جای یکی از پنج گزارهٔ پی‌رفت اصلی یک پی‌رفت کامل دیگر قرار می‌گیرد و کارکرد گزاره‌ای را که جایگزین آن شده است برعهده دارد؛ به تعبیری دیگر، یک پی‌رفت کامل فرعی در دل پی‌رفت اصلی قرار می‌گیرد و جایگزین یکی از گزاره‌های آن می‌شود. برای مثال گزاره‌های اول، دوم و سوم بیان می‌شود و سپس به‌جای گزارهٔ چهارم یک پی‌رفت کامل قرار می‌گیرد و بعد از آن گزارهٔ پنجم می‌آید.

۲. زنجیره‌سازی: در زنجیره‌سازی پی‌رفت‌ها مانند حلقه‌های یک زنجیر به‌طور متوالی از پس یکدیگر قرار می‌گیرند. یک پی‌رفت به‌طور کامل بیان می‌شود و سپس پی‌رفت کامل دیگری به دنبال آن می‌آید.

۳. تناوب: طبق این روش گزاره‌های چندین پی‌رفت درهم تنیده می‌شوند؛ بدین‌ترتیب که گاه گزاره‌ای از پی‌رفت اول می‌آید و گاه گزاره‌ای از پی‌رفت دیگر (تودوروف، ۱۳۸۲: ۹۳ و۹۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پیشینه و روش تحقیق

هنگامی‌که تودوروف دربارهٔ ترکیب پی‌رفت‌ها به‌شیوهٔ درونه‌گیری صحبت می‌کند به رابطهٔ میان پی‌رفت‌ها و انواع محدودی از آن اشاره دارد، اما در نظر نمی‌گیرد پی‌رفت‌ها به هر شیوه‌ای که ترکیب شوند ممکن است میان آن‌ها انواع گوناگونی از روابط وجود داشته باشد و هر نوع رابطه‌ای که میان پی‌رفت‌ها برقرار شود می‌تواند کارکرد یا کارکردهایی داشته باشد. بررسی این امر موضوعی است که تاکنون به آن توجهی نشده است. به همین دلیل پژوهش حاضر بر این دو فرضیه مبتنی است که میان پی‌رفت‌ها انواع گوناگونی از روابط وجود دارد و هر نوع رابطه می‌تواند کارکرد یا کارکردهایی داشته باشد. با نظر به فرضیه‌های مقاله، هدف اصلی این پژوهش اثبات وجود روابط میان‌پی‌رفتی در داستان کوتاه، معرفی انواع آن و نشان‌دادن کارکردهای هر نوع رابطه است. برای بررسی فرضیه‌های مطرح‌شده، هفت مجموعه داستان کوتاه فارسی در نظر گرفته شد تا برمبنای آن‌ها به شیوهٔ استنتاجی انواع روابطی که پی‌رفت‌ها می‌توانند با یکدیگر داشته باشند و کارکردهایی که هر نوع رابطه برعهده می‌گیرد تحلیل و بررسی شود. اهمیت پژوهش حاضر در این است که پی‌بردن به وجود رابطه میان پی‌رفت‌ها و شناخت انواع و کارکردهای آن می‌تواند زمینه را جهت بررسی سبک نویسنده در بهره‌گیری از روابط میان‌پی‌رفتی، نقد و بررسی داستان‌ها یا تحلیل محتوایی آن‌ها فراهم کند.

بدیهی است انواع روابط و کارکردهایی که در این پژوهش بیان می‌شود تمامی روابط و کارکردهای ممکن نیست، زیرا همان‌طور که گفته شد، روش کار در این مقاله به شیوهٔ استنتاجی برمبنای هفت مجموعه داستان کوتاه فارسی است و آنچه در پی می‌آید تنها حاصل بررسی و نتیجه‌گیری از همین تعداد مجموعه است. مسلماً با بررسی آثار داستانی بیشتر روابط و کارکردهای دیگری از پی‌رفت‌ها آشکار خواهد شد، چراکه «کشف ساخت‌های صوری فرایندی بی‌پایان است» (کالر، ۱۳۸۸: ۱۵۸) و البته مجالی بیش از یک مقاله می‌طلبد.

پی‌رفت‌ها: رابطه و کارکرد آن‌ها در داستان کوتاه فارسی

پی‌رفت‌ها با یکدیگر روابطی دارند و در حیطهٔ رابطه‌ای که با هم برقرار می‌کنند کارکردهایی را برعهده می‌گیرند که برمبنای آثاری که پژوهش حاضر به مطالعهٔ آن‌ها پرداخته است[1] به شرح زیر است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

۱. رابطهٔ پیشبردی پی‌رفت‌ها

در این نوع رابطه پی‌رفت‌های روایت بیان می‌شوند تا طرح داستان را پیش ببرند. کارکرد اصلی رابطهٔ پیشبردی درواقع همین به‌جلوراندن طرح داستان است. هر پی‌رفت نسبت به پی‌رفت دیگر گامی است درجهت پیشبرد طرح داستان؛ بنابراین، رابطهٔ پیشبردی رابطه‌ای اساسی و زیربنایی است که می‌توان گفت میان تمام پی‌رفت‌های روایت داستانی وجود دارد، اما پی‌رفت‌ها علاوه‌براین رابطهٔ اولیه می‌توانند روابط ثانویه‌ای هم داشته باشند. انواع روابط میان‌پی‌رفتی که از این پس بیان می‌شود، همه، روابط ثانویه‌ای هستند که علاوه‌بر رابطهٔ اولیهٔ پیشبردی میان پی‌رفت‌ها وجود دارند:

۲. رابطهٔ تقابلی پی‌رفت‌ها

زمانی رابطهٔ تقابلی میان پی‌رفت‌ها برقرار می‌شود که تمام گزاره‌های یک پی‌رفت درست درتقابل با تمام گزاره‌های پی‌رفت دیگر باشند. نمونهٔ چنین رابطه‌ای داستان "دو مرده" از مجموعهٔ *دید و بازدید* جلال آل‌احمد (۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۱) است. این داستان کوتاه از دو پی‌رفت تشکیل شده است که تمام گزاره‌های آن دقیقاً درتقابل با یکدیگر قرار دارند:

پی‌رفت ۱	۱. مرد فقیری فوت می‌کند. ۲. زنی به‌طور اتفاقی جنازهٔ او را می‌یابد. ۳. مردم به مرگ فقیر اهمیت نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار او می‌گذرند. ۴. پاسبان‌ها از روی وظیفه و با اکراه گزارش مرگ او را ثبت می‌کنند. ۵. زندگی مرد فقیر به‌سادگی به پایان می‌رسد.
پی‌رفت ۲	۱. مرد ثروتمندی فوت می‌کند. ۲. همهٔ دوستان و آشنایان یکدیگر را مطلع می‌کنند. ۳. همهٔ دوستان و آشنایان با شرکت در مراسم خاک‌سپاری به مرگ او اهمیت می‌دهند. ۴. پاسبان‌ها در مراسم خاک‌سپاری او داوطلبانه خدمت می‌کنند. ۵. زندگی مرد ثروتمند باشکوه به پایان می‌رسد.

در گزاره‌های اول، فقیر درمقابل ثروتمند قرار گرفته است. در گزاره‌های دوم، اطلاع اتفاقی از مرگ یک فقیر دربرابر اطلاع‌رسانی عمدی از مرگ یک ثروتمند قرار دارد. گزاره‌های سوم، اهمیت‌ندادن به مرگ فقیر را درمقابل اهمیت‌دادن به مرگ ثروتمند نشان می‌دهند. گزاره‌های چهارم، کار اجباری برای درگذشت فقیر را دربرابر کار داوطلبانه در مراسم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

خاک‌سپاری فرد ثروتمند قرار می‌دهند و سرانجام در گزاره‌های پنجم، سادگی پایان زندگی فقیر درتقابل با شکوه و جلال پایان زندگی مرد ثروتمند قرار می‌گیرد.

کارکرد پی‌رفت‌های متقابل

برجسته‌کردن تفاوت‌ها: اگر نویسنده بخواهد بر تفاوت میان دو چیز تأکید کند مطرح‌کردن دو پی‌رفت متقابل دربرابر یکدیگر بسیار راه‌گشاست، زیرا تقابل‌ها تفاوت‌ها را با برجستگی بیشتری آشکار می‌کنند. در داستان ″دو مرده″ هنگامی که در پی‌رفت اول چگونگی خاک‌سپاری مرد فقیر مطرح و سپس در دومین پی‌رفت مراسم تدفین فرد ثروتمند بیان می‌شود، تقابل فقیر و غنی حتی در مراسم خاک‌سپاری به‌خوبی نشان داده می‌شود.

۳. رابطهٔ تحلیلی- چاره‌جویی پی‌رفت‌ها

در این نوع رابطه، پی‌رفتی پی‌رفت دیگر را تحلیل می‌کند تا برای خروج از موقعیت نامتعادل پیش‌آمده در گزارهٔ سوم آن چاره‌ای بیابد. بدین‌ترتیب، با دو نوع پی‌رفت مواجه هستیم: یکی پی‌رفت تحلیل‌شونده و دیگری پی‌رفت تحلیل‌کننده و چاره‌جوینده و به عبارتی بهتر پی‌رفت تحلیلی- چاره‌جویی. این دو نوع پی‌رفت بدین‌صورت مطرح می‌شوند که ابتدا پی‌رفت تحلیل‌شونده تا گزارهٔ سوم که تشریح موقعیتی نامتعادل است بیان می‌شود و سپس پی‌رفت تحلیلی- چاره‌جویی به بررسی سه گزارهٔ پی‌رفت اول و چاره‌جویی برای خروج از موقعیت نامتعادل پیش‌آمده می‌پردازد. پس از یافتن راه‌حل در پی‌رفت تحلیلی- چاره‌جویی، گزاره‌های چهارم و پنجم پی‌رفت اول بیان می‌شوند. نمونهٔ رابطهٔ تحلیلی- چاره‌جویی، داستان ″مردی که برنگشت″ از مجموعهٔ *شهری چون بهشت* سیمین دانشور (۱۳۸۱: ۱۸۳-۱۷۱) است. این داستان در کل از چهار پی‌رفت تشکیل شده است که پی‌رفت ۳ تحلیل و چاره‌جویی پی‌رفت ۱ است. در ادامه تنها به همین پی‌رفت‌ها اشاره می‌شود که مورد نظر این مبحث است:

پی‌رفت ۱	۱. محترم و ابراهیم زندگی خوبی دارند. ۲. ابراهیم ناپدید می‌شود. ۳. محترم در جست‌وجوی شوهر، بی‌پول و درمانده است.
پی‌رفت ۳	۱. نویسنده داستان را تا بی‌پولی و درماندگی محترم پیش برده است. ۲. نویسنده نمی‌داند داستان را چگونه پایان‌بندی کند. ۳. نویسنده در مشورت با خواننده راه‌های ممکن جهت پایان‌بندی داستان را مطرح می‌کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

	۴. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که یک زن بی‌سرپرست در جامعه دچار مشکلات فراوانی می‌شود. ۵. نویسنده تصمیم می‌گیرد ابراهیم خودش به خانه بازگردد.
ادامهٔ پی‌رفت۱	۴. ابراهیم خودش به خانه بازمی‌گردد. ۵. محترم و ابراهیم زندگی خوبی دارند.

در نمونهٔ بررسی‌شده ابتدا پی‌رفت ۱ تا گزارهٔ سوم مطرح می‌شود، یعنی اولین گزاره که شرح وضعیت متعادل اولیه است و طی آن زندگی محترم و ابراهیم روال عادی خود را دارد. در ادامه دومین گزاره بیان می‌شود که با ناپدیدشدن ابراهیم حالت متعادل اولیه برهم می‌خورد و سومین گزاره که طی آن حالتی ناپایدار برقرار می‌شود و محترم را در وضعیت نامتعادل جست‌وجوی همسرش نشان می‌دهد. سپس پی‌رفت ۳ مطرح می‌شود. نویسنده در پی‌رفت ۳، سه گزارهٔ اول پی‌رفت ۱ را تحلیل و بررسی می‌کند تا برای خارج‌شدن از موقعیت نامتعادل پی‌رفت ۱ و برقراری دوبارهٔ تعادل چاره‌جویی شود. سرانجام نویسنده پس از مطرح‌کردن راه‌حل‌های ممکن و ظاهراً طرف مشورت قراردادن خواننده، تصمیم می‌گیرد ابراهیم خودش به خانه بازگردد. براساس همین تحلیل و چاره‌جویی، ادامهٔ پی‌رفت ۱ با گزاره‌های چهارم و پنجم، پس از پی‌رفت تحلیلی ـ چاره‌جویی بیان می‌شود؛ در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۱ طبق تصمیم نویسنده ابراهیم خود به خانه بازمی‌گردد و در گزارهٔ پنجم دوباره زندگی محترم و ابراهیم روالی عادی‌اش را طی می‌کند.

کارکرد پی‌رفت‌های تحلیلی‌ـ چاره‌جویی

الف) تأکید بر داستان‌بودن متن: هنگامی‌که پس از سه گزاره، پی‌رفت ناتمام رها می‌شود و نویسنده برای بررسی وضعیت موجود و چاره‌جویی جهت خروج از وضعیت نامتعادل وارد ماجرا می‌شود، تلویحاً این پیام به مخاطب منتقل می‌شود که همهٔ آنچه می‌خواند مربوط به دنیای داستان است نه مربوط به جهان واقعی. این نویسنده است که در چنین دنیایی تصمیم می‌گیرد و طبق خواست او پی‌رفت ناتمام پایان‌بندی می‌شود.

ب) تأکید بر پی‌رفت تحلیل‌شونده: پی‌رفت تحلیلی‌ـ چاره‌جویی تأکیدی است بر پی‌رفت تحلیل‌شونده. وقتی پی‌رفت تحلیل‌شونده یک‌بار دیگر در پی‌رفت تحلیلی‌ـ چاره‌جویی مرور می‌شود و سه گزارهٔ اول آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا جوانب مختلف آن به‌خوبی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

سنجیده شود، خود نشانهٔ نوعی تأکید بر آن است و اهمیت پی‌رفت تحلیل‌شونده را منتقل می‌کند.

ج) به تفکر واداشتن خواننده: مطرح‌کردن راه‌های مختلف خروج از وضعیت نامتعادل، خواه‌ناخواه ذهن خواننده را بیشتر درگیر می‌کند تا خود نیز جوانب وضعیت را بسنجد و دربارهٔ وضعیت طرح‌شده در داستان بیندیشد.

د) شرکت‌دادن نمایشی خواننده در خلق داستان: نویسنده در گزارهٔ سوم پی‌رفت تحلیلی ـ چاره‌جویی با طرف مشورت قراردادن خواننده جهت چاره‌جویی او را به صورت نمایشی در پایان‌بندی داستان شرکت می‌دهد.

٤. رابطهٔ تشابهی پی‌رفت‌ها

در رابطهٔ تشابهی میان دو پی‌رفت از جهت رخدادها به‌عنوان عنصر اصلی روایت تشابه وجود دارد. کنشگران پی‌رفت‌های مشابه در ابتدا وضعیت نسبتاً همانندی دارند، وقایع مشابهی را از سر می‌گذرانند و سرنوشت همانندی دارند. ناقص‌بودن یکی از پی‌رفت‌ها را می‌توان از ویژگی‌های پی‌رفت‌های مشابه دانست، زیرا وقایع در هردو یکی است و دیگر لزومی ندارد هردو پی‌رفت مشابه با تمام گزاره‌ها بیان شوند، بلکه گزاره‌های محذوف پی‌رفت ناقص را به قرینهٔ گزاره‌های مزبور پی‌رفت کامل می‌توان دریافت. در پی‌رفت‌های دو داستان "بن‌بست" از مجموعهٔ *سگ ولگرد* صادق هدایت (۱۳۸۳: ۶۰-۴۱) و "عروسکِ فروشی" از مجموعهٔ *روز اول قبر* صادق چوبک (۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۱۵) چنین رابطه‌ای وجود دارد. در اینجا، برای نمونه، داستان "عروسک فروشی" بررسی می‌شود که از دو پی‌رفت تشکیل شده است:

پی‌رفت ۱	۱. حسن در سرمای سخت و پربرف پاییز گرسنه و بی‌پناه است. ۲. حسن از روی ناچاری عروسکی می‌دزدد. ۳. حسن سعی می‌کند عروسک را بفروشد. ۴. هیچ‌کس عروسک را نمی‌خرد. ۵. حسن از گرسنگی و سرما کنار خیابان می‌میرد.
پی‌رفت ۲	۱. عباس یکی از دوستان حسن در سرما گرسنه و بی‌پناه است. ۲. _____ ۳. _____ ۴. _____ ۵. عباس از گرسنگی و سرما کنار خیابان جان داده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

در داستان ″عروسکِ فروشی″ ابتدا گزارهٔ اول پی‌رفت ۱ مطرح می‌شود و پسرکی را ترسیم می‌کند که در برف و سرما گرسنه و بی‌پناه است. بعد از آن، پی‌رفت ۱ قطع می‌شود و گزارهٔ پنجم پی‌رفت ۲ بیان می‌شود. طبق این گزاره پسرک حین سرگردانی در کوچه‌ها و خیابان‌ها مردم را می‌بیند که دور جنازهٔ عباس، که یکی از دوستان او بوده است، جمع شده‌اند. پس از این گزارهٔ اول پی‌رفت ۲ می‌آید و نشان می‌دهد عباس نیز مانند حسن در سرما گرسنه و بی‌پناه بوده است.

پی‌رفت ۲ ناقص است و گزاره‌های دوم، سوم و چهارم آن بیان نشده است، هرچند به قرینهٔ گزاره‌های دوم، سوم و چهارم پی‌رفت ۱ می‌توان آن‌ها را به‌طورکلی چنین حدس زد: در گزارهٔ دوم عباس نمی‌خواهد تسلیم سرما و گرسنگی شود، طی گزارهٔ سوم عباس هر تلاشی را برای نجات جان خود انجام می‌دهد و در گزارهٔ چهارم تلاش عباس بی‌نتیجه می‌ماند.

بعد از اتمام پی‌رفت ۲، پی‌رفت ۱ که اولین گزارهٔ آن پیشتر بیان شده بود از گزارهٔ دوم تا پنجم به ترتیب می‌آید. طی این گزاره‌ها حسن به همان سرنوشتی دچار می‌شود که عباس گرفتار آن شده بود. بدین‌ترتیب، میان دو پی‌رفت ۱ و ۲ رابطهٔ تشابهی ایجاد می‌شود؛ بدین‌معنی‌که وقایع کمابیش مشابهی رخ می‌دهد و کنشگران که در گزارهٔ اول وضعیت همانندی دارند در گزارهٔ آخر نیز سرانجامی همانند می‌یابند.

کارکرد پی‌رفت‌های مشابه

الف. پیش‌آگاهی: در نمونه‌های بررسی‌شده قبل از اینکه پی‌رفت مربوط به کنشگر اصلی به اتمام برسد پی‌رفتی مشابه آن بیان می‌شود که طی آن کنشگر فرعی وضعیتی شبیه به کنشگر اصلی دارد: آنچه برای کنشگر فرعی اتفاق می‌افتد به خواننده پیش‌آگاهی می‌دهد که امکان دارد همان سرنوشتی که برای کنشگر فرعی رخ داده است برای کنشگر اصلی نیز اتفاق بیفتد.

ب. ایجاد حالت تعلیق: دادن پیش‌آگاهی به خواننده که کارکرد پی‌رفت مشابه است ذهن او را برای پذیرش سرنوشت کنشگر اصلی آماده می‌کند و به‌خصوص اگر اتفاقی ناگوار رخ داده باشد، خواننده را درحالت نگرانی نگه می‌دارد و او دائم بیمناک است که مبادا کنشگر اصلی نیز سرنوشتی همانند کنشگر فرعی داشته باشد. بدین‌ترتیب پی‌رفت مشابه نوعی حالت تعلیق در داستان ایجاد می‌کند. در نمونهٔ بررسی‌شده حسن کنشگر اصلی است که با عباس به‌عنوان کنشگر فرعی در وضعیتی یکسان قرار دارد: هردو در برف و سرما گرسنه و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

بی‌پناه مانده‌اند. قبل از اینکه پی‌رفت مربوط به حسن به اتمام برسد، پی‌رفت مشابه بیان می‌شود و طی آن عباس کنار خیابان از گرسنگی و سرما جان می‌دهد. چنین اتفاقی به خواننده پیش‌آگاهی می‌دهد که امکان دارد سرنوشت حسن نیز مانند عباس رقم بخورد؛ بنابراین، داستان دائم خواننده را درحالت تعلیق نگه می‌دارد و ذهن او را به خود مشغول می‌کند که مبادا برای حسن نیز همان رخ دهد که برای عباس رخ داده است؛ چنان‌که درنهایت همین اتفاق هم می‌افتد.

۵. رابطهٔ اجمال و تفصیل پی‌رفت‌ها

در این نوع رابطه ابتدا طی پی‌رفتی ماجرا به‌اجمال و به‌طور کلی مطرح می‌شود و سپس در پی‌رفت‌های دیگر گزاره‌های پی‌رفت اصلی به تفصیل و همراه با جزئیات شرح داده می‌شوند. براساس نمونه‌های بررسی‌شده، در اولین ویژگی پی‌رفت اجمالی به‌عنوان پی‌رفت آغازین یا میانی داستان مطرح می‌شود. می‌توان این احتمال را هم در نظر گرفت که پی‌رفت تفصیلی پی‌رفت آغازین یا میانی داستان نباشد و به‌عنوان آخرین پی‌رفت پس از پی‌رفت‌های تفصیلی در انتهای داستان قرار بگیرد. در دومین ویژگی پی‌رفت‌های تفصیلی به‌شیوهٔ زنجیره‌ای به دنبال پی‌رفت اجمالی می‌آیند. سومین خصیصه اینکه پی‌رفت‌های تفصیلی می‌توانند تمام، بیشتر یا حتی تنها یک گزاره از گزاره‌های پی‌رفت اجمالی را شرح دهند. داستان‌های ″رجل سیاسی″ از مجموعهٔ *یکی‌بود و یکی‌نبود* اثر جمالزاده (۱۳۸۶: ۴۵-۶۷)، ″بی‌بی شهربانو″ از مجموعهٔ *شهری چون بهشت* نوشتهٔ سیمین دانشور (۱۳۸۱: ۸۷-۶۹) و ″آسمان آبی دز″ از مجموعهٔ *غریبه‌ها* اثر احمد محمود (۱۳۸۷: ۹۱-۳۷) نمونه‌هایی از رابطهٔ اجمال و تفصیل پی‌رفت‌ها هستند که در نمونهٔ اول تنها یک گزاره، در نمونهٔ دوم بیشتر گزاره‌ها و در نمونهٔ سوم تمام گزاره‌های پی‌رفت اجمالی در پی‌رفت‌های بعدی به‌تفصیل شرح شده‌اند. در اینجا داستان ″آسمان آبی دز″ برای نمونه تحلیل می‌شود. این داستان در کل از ۹ پی‌رفت با رابطهٔ اجمال و تفصیل تشکیل شده است. پی‌رفت اجمالی اولین پی‌رفت داستان است و پس از آن پی‌رفت‌های تفصیلی به شرح یک‌یک گزاره‌های پی‌رفت اجمالی پرداخته‌اند:

پی‌رفت ۱	۱. کار کشاورزان در ولایت خود بی‌رونق شده است. ۲. کشاورزان به امید پیداکردن کار به دز می‌آیند. ۳. در دز کار به‌سختی پیدا می‌شود و کشاورزان با نداری و بی‌کاری روزگار می‌گذرانند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

	۴. با گذشت زمان کشاورزان از یافتن کار ناامید می‌شوند و در وضعیت نامساعدتری قرار می‌گیرند. ۵. کشاورزان به ولایت خود بازمی‌گردند.
پی‌رفت ۲	۱. کشاورزی استاد موسم بی‌رونق شده است. ۲. استاد موسم به امید پیداکردن کار به دز می‌آید. ۳. استاد موسم در دز با نداری و بی‌کاری روزگار می‌گذراند. ۴. زمستان می‌شود. ۵. استاد موسم به ولایت خود بازمی‌گردد.
پی‌رفت ۳	۱. کشاورزی نبی بی‌رونق شده است. ۲. نبی به امید پیداکردن کار به دز می‌آید. ۳. نبی در دز با نداری و بی‌کاری روزگار می‌گذراند. ۴. نبی به تب مالارمه دچار می‌شود. ۵. نبی تصمیم می‌گیرد به ولایت خود بازگردد.
پی‌رفت ۴	۱. کشاورزی یاقوت بی‌رونق شده است. ۲. یاقوت به امید پیداکردن کار به دز می‌آید. ۳. یاقوت در دز با نداری و بی‌کاری روزگار می‌گذراند. ۴. یاقوت از فرط بی‌پولی لوازم شخصی‌اش را می‌فروشد. ۵. یاقوت لوازم شخصی دیگران را هم درقبال درصدی می‌فروشد.
پی‌رفت ۵	۱. یاقوت امانت‌فروشی می‌کند. ۲. امانت‌فروشی یاقوت رونق می‌گیرد. ۳. یاقوت نسبت به دیگران در وضعیت مالی بهتری به سر می‌برد. ۴. اجناسی که جهت فروخته‌شدن نزد یاقوت به امانت بود دزدیده می‌شود. ۵. یاقوت تصمیم می‌گیرد به ولایت خود بازگردد.

در داستان "آسمان آبی دز" طی پی‌رفت ۱ به‌عنوان پی‌رفت آغازین داستان همهٔ ماجرا به‌طورکلی و بدون اشاره به جزئیات مطرح شده و سپس در پی‌رفت‌های بعدی گزاره به گزارهٔ پی‌رفت ۱ با تفصیل بیان شده است. طبق اولین گزارهٔ پی‌رفت ۱ کشاورزان در ولایت خود بی‌کار هستند. این گزاره تنها اطلاعاتی در همین حد در اختیار خواننده قرار می‌دهد، بدون اینکه نامی از کنشگری بیاورد و وارد جزئیاتی ازاین‌قبیل شود. در ادامهٔ پی‌رفت ۱ پی‌رفت‌های بعدی می‌آید که هریک به‌تفصیل و با بیان نام یکی از کشاورزان به‌عنوان کنشگر اصلی آن پی‌رفت به داستان زندگی او تعلق دارد و با جزئیات ماجرایش را بیان می‌کند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

در گزارهٔ اول پی‌رفت ۱ به‌طورکلی گفته می‌شود کار کشاورزان در ولایتشان بی‌رونق شده است. در گزارهٔ اول پی‌رفت ۲ استاد موسم به‌عنوان کشاورزی که کارش از رونق افتاده است مطرح می‌شود. در گزارهٔ اول پی‌رفت ۳ نبی و در گزارهٔ اول پی‌رفت ۴ یاقوت نمونه‌های دیگر از کشاورزانی که کارشان رونق ندارد بیان می‌شوند. در گزارهٔ دوم پی‌رفت ۱ به اجمال اشاره می‌شود کشاورزان به امید یافتن کاری به دز آمده‌اند. در گزارهٔ دوم پی‌رفت‌های ۲، ۳ و ۴ به‌تفصیل استاد موسم، نبی و یاقوت مطرح می‌شوند که هرکدام به امید پیداکردن کاری به دز آمده‌اند. در گزارهٔ سوم پی‌رفت ۱ به‌طورکلی گفته می‌شود کشاورزان کاری نمی‌یابند و همه با نداری و بی‌کاری روزگار می‌گذرانند. در گزارهٔ سوم پی‌رفت‌های ۲، ۳ و ۴ به‌طور جزئی استاد موسم، نبی و یاقوت را می‌بینیم که هریک در فقر و بی‌کاری به‌سختی زندگی می‌کنند. در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۱ بدون توضیح و تفصیلی به ناامیدی کشاورزان از یافتن کار و قرارگرفتن آن‌ها در وضعیت نامساعدتر اشاره می‌شود. در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۲ استاد موسم با آمدن فصل زمستان در وضعیت بدتری قرار می‌گیرد و بیش از پیش از یافتن کار ناامید می‌شود. در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۳ بیماری نبی او را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد و حتی توان تلاش برای پیداکردن کار را هم از او می‌گیرد. در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۴ یاقوت آن‌قدر بی‌پول می‌شود که لوازم شخصی‌اش را می‌فروشد و در گزارهٔ چهارم پی‌رفت ۵ با دزدیده‌شدن اجناسی که جهت فروش به امانت نزد او بود در وضعیت بسیار دشوارتری قرار می‌گیرد.

در گزارهٔ پنجم پی‌رفت ۱ به‌اجمال از بازگشت کشاورزان به ولایت خود صحبت می‌شود. در گزارهٔ پنجم پی‌رفت‌های ۲، ۳ و ۵ به‌ترتیب و به‌تفصیل استاد موسم، نبی و یاقوت را می‌بینیم که هریک برای بازگشت به ولایت خود قاطعانه تصمیم گرفته‌اند.

کارکرد پی‌رفت‌های تفصیلی

الف. پرهیز از کلی‌گویی: پی‌رفت‌های تفصیلی با مطرح‌کردن جزئیات داستان و شرح دقیق‌تر حوادث موجب پرهیز از کلی‌گویی می‌شوند. پی‌رفت اجمالی نموداری کلی از داستان به دست می‌دهد. در عوض هر پی‌رفت تفصیلی گویی ذره‌بینی است که پی‌رفت اجمالی را با نگاهی ریزبینانه و همراه با جزئیات می‌نگرد و همه‌چیز را با دیدی موشکافانه‌تر و وضوحی بیشتر ارائه می‌دهد. در "آسمان آبی دز" پس از آنکه پی‌رفت اجمالی دورنمایی از داستان ارائه می‌دهد و ماجرای تمام کشاورزان را یک‌باره و به‌طور کلی مطرح می‌کند،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پی‌رفت‌های تفصیلی هرکدام یکی از کشاورزان را زیر ذره‌بین دارند و از نزدیک و همراه با جزئیات به شرح دقیق وقایع می‌پردازند.

ب. طرح زوایای مختلف موضوع: نویسنده با فرصتی که هر پی‌رفت تفصیلی در اختیارش قرار می‌دهد می‌تواند زوایای مختلف موضوع خود را طرح کند و با شرح و تفصیل به پرورش آن بپردازد. موضوع اصلی در "آسمان آبی دز" فقر ناشی از بی‌کاری است. در این داستان کارکرد مهمی که هر پی‌رفت تفصیلی برعهده دارد مطرح‌کردن زوایای مختلف مشکلات و گرفتاری‌هایی است که بر اثر فقر و بی‌کاری پیش می‌آید یا تشدید می‌شود: در پی‌رفت تفصیلی ۲ استاد موسم، که از بی‌کاری دچار فقر شده، مشکل سرمای زمستان را هم دارد و با آمدن فصل سرما در وضعیت سخت‌تری قرار می‌گیرد. در پی‌رفت تفصیلی ۳ نبی که او هم گرفتار بی‌کاری و فقر است با تب مالارمه دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما نمی‌تواند هزینهٔ درمان خود را تأمین کند. در پی‌رفت تفصیلی ۴ نهایت فقر یاقوت را به فروش لوازم شخصی‌اش وامی‌دارد و بدتر از آن در پی‌رفت تفصیلی ۵ اموالی که دیگران نزد او به امانت گذاشته بودند دزدیده می‌شود. بدین‌ترتیب پی‌رفت‌های تفصیلی هریک بی‌کاری و فقر را از زاویه‌ای دیگر مطرح می‌کنند و درکنار معضلاتی مانند سرما، بیماری و دزدی مورد بررسی قرار می‌دهند.

ج. پشتیبانی و تقویت پی‌رفت اجمالی: پی‌رفت‌های تفصیلی پی‌رفت اجمالی را پشتیبانی و تقویت می‌کنند. هر پی‌رفت تفصیلی با بازکردن یک گزاره، چندگزاره یا تک‌تک گزاره‌های پی‌رفت اجمالی و شرح و تفصیل جزئیات در حکم تأییدی برای پی‌رفت اجمالی است و بر آن صحّه می‌گذارد. در "آسمان آبی دز" ابتدا در پی‌رفت اجمالی ماجرای کشاورزان به‌طورکلی و بدون نام‌بردن از شخصی خاص بیان می‌شود و سپس به‌عنوان پشتیبانی و تقویت آنچه در پی‌رفت اجمالی به‌طور خلاصه و سربسته مطرح شده است، پی‌رفت‌های تفصیلی یکی پس از دیگری می‌آیند و به شرح تمامی گزاره‌های پی‌رفت اجمالی می‌پردازند. هر پی‌رفت تفصیلی به یکی از کشاورزان می‌پردازد و با بیان نام کشاورز و جزئیات زندگی او نشان داده می‌شود همان اتفاقی برای کشاورز رخ می‌دهد که در پی‌رفت اجمالی به‌طور خلاصه در مورد همهٔ کشاورزان رخ داده بود. در این روش با بیان هر پی‌رفت تفصیلی پی‌رفت اجمالی پشتیبانی و تقویت می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

۶. رابطهٔ هم‌مضمونی پی‌رفت‌ها

در این نوع رابطه پی‌رفت‌ها با یکدیگر هم‌مضمون هستند؛ بدین‌معناکه آنچه از یک پی‌رفت برداشت می‌شود از پی‌رفت دیگر نیز برداشت می‌شود و هر دو مضمونی مشترک دارند. داستان‌های "دید و بازدید عید" (آل‌احمد، ۱۳۸۷: ۲۵-۱۱)، "تجهیز ملت" (آل‌احمد، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۸۹) و "ای لامس‌سبا" (آل‌احمد، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۱۹) هرسه از مجموعهٔ *دید و بازدید* جلال آل‌احمد نمونه‌های این نوع رابطه هستند. در اینجا برای نمونه داستان "دید و بازدید" بررسی می‌شود. این داستان در کل از پنج پی‌رفت تشکیل شده است که چهار پی‌رفت اول آن با یکدیگر رابطهٔ هم‌مضمونی دارند:

پی‌رفت ۱	۱. راوی به عیدی آقای استاد رفته است. ۲. راوی و استاد با یکدیگر سلام و تعارف می‌کنند. ۳. راوی در خانهٔ استاد است و به صحبت دیگران گوش می‌دهد. ۴. راوی احساس کسالت می‌کند. ۵. راوی از خانهٔ استاد خارج می‌شود.
پی‌رفت ۲	۱. راوی به عیدی خانم‌بزرگ رفته است. ۲. راوی و خانم‌بزرگ با یکدیگر سلام و تعارف می‌کنند. ۳. راوی در خانهٔ خانم‌بزرگ است و به صحبت‌های او گوش می‌دهد. ۴. راوی از خانم بزرگ خداحافظی می‌کند. ۵. راوی از خانهٔ خانم‌بزرگ خارج می‌شود.
پی‌رفت ۳	۱. راوی همراه رفیقش به عیدی رئیس اداره‌شان رفته است. ۲. به گفتهٔ خدمتکار رئیس اداره منزل نیست. ۳. راوی و رفیقش وارد منزل رئیس اداره نمی‌شوند. ۴. رفیق راوی وظیفهٔ عیدی‌رفتن خود را اداشده می‌داند. ۵. راوی و رفیقش وظیفهٔ عیدی‌رفتن خود را در یک‌جای دیگر هم ادا کردند.
پی‌رفت ۴	۱. راوی به عیدی آقا رفته است. ۲. راوی و آقا با یکدیگر سلام و تعارف می‌کنند. ۳. راوی در خانهٔ آقاست و به صحبت دیگران گوش می‌دهد. ۴. راوی اجازهٔ مرخصی می‌خواهد. ۵. راوی از خانهٔ آقا خارج می‌شود.

در پی‌رفت‌های ۱، ۲ و۴ راوی به عیدی کسی می‌رود تا وظیفهٔ خود را ادا کرده باشد. در پی‌رفت ۳ نیز با وجود حضورنداشتن صاحب‌خانه و وارد منزل نشدن راوی باز وظیفهٔ عیدی‌رفتن انجام‌یافته تلقی می‌شود. بدین‌ترتیب در هر چهار پی‌رفت این داستان یک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

مضمون تکرار می‌شود: عیدی‌رفتن به‌عنوان وظیفه‌ای کسالت‌بار و نه از روی تمایل. عیدی‌رفتن بدون تمایل قلبی و صرفاً از روی انجام وظیفه به‌خصوص از واکنش راوی در هر منزلی که عیدی می‌رود قابل درک است؛ راوی هرجا می‌رود بی‌آنکه شور و اشتیاقی داشته باشد سلام و تعارفی می‌کند، با کسالت و بی‌حوصلگی به صحبت دیگران گوش می‌دهد و بعد خداحافظی می‌کند و از منزل او خارج می‌شود. حتی در پی‌رفت ۳ که صاحب‌خانه حضور ندارد، همین‌که خدمتکار به رئیس اداره بگوید راوی و رفیقش به عیدی او آمده بودند وظیفه انجام‌شده محسوب می‌شود، چراکه آن‌ها تنها به دلیل ادای وظیفه به عیدی آمده بودند و اشتیاقی برای دید و بازدید و هیچ‌کار بااهمیتی نداشتند که بخواهند از نبود صاحب‌خانه ناراحت شوند یا دوباره به دیدن او بیایند.

کارکرد پی‌رفت‌های هم‌مضمون

الف. انتقال کسالت: تکرارها گاهی خسته‌کننده و کسالت‌بار هستند. تکرار پی‌رفت‌های هم‌مضمون جهت نشان‌دادن ملال‌آوربودن چیزی مسلماً بسیار مؤثر است. وقتی در یک داستان کوتاه که مجال چندانی هم ندارد پی‌رفت‌های هم‌مضمون زنجیروار بارها و بارها تکرار می‌شوند خواننده کسل و خسته می‌شود و کسالت‌باربودن عملی که طی پی‌رفت‌ها به‌طور مداوم تکرار شده است به او نیز انتقال می‌یابد. در داستان "دید و بازدید" تکرار مضمون عیدی‌رفتن به‌عنوان وظیفه‌ای کسالت‌بار و نه از روی تمایل در هر چهار پی‌رفت، کسالت و خستگی ناشی از عیدی‌رفتن‌های مکرر و از روی اکراه را به خواننده منتقل می‌کند.

ب. تأکید: تکرار یک مضمون نشانهٔ تأکید بر آن هم می‌تواند باشد. گاهی یک مضمون به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که طی چندین پی‌رفت گوشزد می‌شود. نمونهٔ این نوع کارکرد پی‌رفت‌های هم‌مضمون، داستان "تجهیز ملت" از مجموعهٔ *دید و بازدید* جلال آل‌احمد است.

ج. نشان‌دادن نمودهای مختلف یک مضمون: یک مضمون خاص ممکن است نمودهای مختلفی داشته باشد. پی‌رفت‌های هم‌مضمون هریک می‌توانند جلوه‌ای از یک مضمون را به نمایش درآورند. نمونهٔ این نوع کارکرد پی‌رفت‌های هم‌مضمون داستان "ای لامس‌سبا" از مجموعهٔ *دید و بازدید* است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

۷. رابطهٔ پازلی پی‌رفت‌ها

در رابطهٔ پازلی هر پی‌رفت مانند قطعه‌ای از یک پازل است. همان‌طورکه با کنار هم قراردادن تکه‌های پازل کل آن به دست می‌آید، کنار هم گذاشتن پی‌رفت‌هایی با رابطهٔ پازلی نیز داستان را تکمیل می‌کند. هنگامی که داستان متشکل از پی‌رفت‌هایی با چنین رابطه‌ای باشد به نظر می‌رسد هر پی‌رفت قسمتی از داستان را در بردارد که برای درک کامل داستان و دستیابی به کل ماجرا باید تمام پی‌رفت‌ها مانند قطعات پازل در کنار هم چیده شوند. داستان "دسته‌گل" از مجموعهٔ *روز اول قبر* صادق چوبک (۱۳۸۴: ۵۹-۳۳) نمونهٔ این نوع رابطه است:

پی‌رفت ۱	۱. رئیس اداره به مرگ تهدید شده است. ۲. رئیس اداره برای حفظ جان خود تصمیم می‌گیرد به اروپا برود. ۳. رئیس اداره استعفا داده و در انتظار صدور گذرنامه است. ۴. بچه‌ای پشت سر رئیس اداره ترقه می‌اندازد. ۵. رئیس اداره از ترس می‌میرد.
پی‌رفت ۲	۱. ضباط اداره از رئیس اداره متنفر است. ۲. ضباط رئیس اداره را تهدید به مرگ می‌کند. ۳. ضباط در تدارک کشتن رئیس اداره است. ۴. رئیس اداره می‌میرد. ۵. ضباط گرچه نتوانسته خودش رئیس اداره را بکشد، از مرگ او خوشحال است.

هریک از پی‌رفت‌های این داستان مانند قطعات پازل است که در کنار هم چیده‌شدن آن‌ها داستان را کامل می‌کند. اگر تنها یکی از دو پی‌رفت در این داستان می‌آمد و از طرح پی‌رفت دیگر صرف‌نظر می‌شد، گویی داستان قطعهٔ گم‌شده‌ای کم داشت که بدون آن تکمیل نمی‌شد.

در پی‌رفت ۱ که از دیدگاه رئیس اداره به وقایع نگریسته می‌شود او از جانب شخص نامعلومی تهدید به مرگ می‌شود و به‌قدری از این بابت در هراس است که برای حفظ جان خود حاضر می‌شود پست و مقامش را در اداره واگذار کند و به خارج از کشور بگریزد. هنگامی‌که او در تدارک سفر است، از صدای ترقه‌ای که از پشت سر به گوش او می‌رسد به گمان اینکه قصد جان او شده است به‌شدت می‌ترسد و از ترس سکته می‌کند و می‌میرد. درنهایت تکلیف رئیس اداره مشخص می‌شود و با مرگ او داستان می‌تواند خاتمه یابد، اما به دلیل ابهامی که دربارهٔ نویسندهٔ نامه‌های تهدیدآمیز و انگیزهٔ او جهت اقدام به چنین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

عملی وجود دارد داستان تکمیل نشده است و به نظر می‌رسد همچون پازلی است که قطعه‌ای از آن گم شده است. قطعهٔ گم‌شدهٔ این پازل پی‌رفت ۲ است که از نظرگاه نویسندهٔ نامه‌های تهدیدآمیز بیان می‌شود و ابهامات داستان را برطرف می‌کند. در این پی‌رفت ضباط اداره، نویسندهٔ نامه‌ها از شدت نفرت خود از رئیس متکبر اداره و تصمیمش برای کشتن او سخن می‌گوید و با دسته‌گلی که روز خاک‌سپاری رئیس اداره بر مزار او می‌گذارد، احساس خشنودی خود را از مرگ او بیان می‌کند، هرچند آرزو داشته است با دست خود رئیس اداره را بکشد.

کارکرد پی‌رفت‌های پازلی

الف. تک‌بعدی نبودن و غنای داستان: مطابق نمونهٔ بررسی‌شده، پی‌رفت‌های پازلی از دیدگاه کنشگران مختلف ماجرا را از زاویه‌ای متفاوت بازگو می‌کنند و در هربار بازگویی از زبان کنشگری دیگر ابعاد تازه‌ای از داستان آشکار و روایت را تکمیل می‌کنند. بنابراین کاربرد پی‌رفت‌ها با رابطهٔ پازلی تکنیکی مناسب است تا رخدادها از ابعاد مختلف دیده شوند و صرفاً از یک دیدگاه واحد، به‌طور تک‌بعدی و سطحی، مطرح نشوند؛ زیرا داستانی که از زوایای مختلفی دیده می‌شود غنای بیشتری می‌یابد و تک‌بعدی نخواهد بود. در داستان «دسته‌گل» اگر تنها یکی از دو پی‌رفت مطرح و از ذکر پی‌رفت دیگر صرف‌نظر می‌شد، وقایع یا طی پی‌رفت ۱ فقط از دیدگاه رئیس اداره یا ضمن پی‌رفت ۲ تنها از دیدگاه ضباط به نمایش درمی‌آمد، اما هنگامی‌که هردو پی‌رفت در داستان بیان می‌شود داستان غنای بیشتری می‌یابد و خواننده از هردو بعد به رخدادها و کنشگران می‌نگرد. مثلاً خواننده در پی‌رفت ۱ نهایت ترس رئیس اداره و در پی‌رفت ۲ شدت نفرت ضباط اداره را از رئیس خود درمی‌یابد و درک عمیق‌تری از کنشگران و کنش و واکنش آنان پیدا می‌کند.

ب. برطرف‌کردن ابهام‌ها: از کارکردهای مهم پی‌رفت‌های پازلی آشکارکردن ابهامات داستان است. در داستان "دسته‌گل" طی پی‌رفت ۱ در گزارهٔ اول ابهامی ایجاد می‌شود که پی‌رفت ۲ به‌عنوان قطعهٔ دیگری از این پازل وظیفهٔ برطرف‌کردن آن را برعهده دارد. در اولین گزاره از پی‌رفت ۱ رئیس اداره توسط نامه‌هایی که دریافت می‌کند دائم تهدید به مرگ می‌شود، اما نویسندهٔ نامه نه برای رئیس اداره و نه برای خواننده معلوم نیست و حتی تا پایان همین پی‌رفت که رئیس اداره از دنیا می‌رود باز هم مشخص نمی‌شود چه کسی او را به مرگ تهدید می‌کرده است. داستان در اینجا تمام نمی‌شود، بلکه با پی‌رفت ۲ که مانند قطعه‌ای از یک پازل باید پی‌رفت ۱ را تکمیل کند و به‌خصوص ابهام موجود در آن را برطرف نماید

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

ادامه می‌یابد. در پی‌رفت ۲ که از دیدگاه ضباط اداره بـه مـاجرا نگریـسته مـی‌شـود آشـکار می‌شود کسی‌که رئیس اداره را به مرگ تهدید می‌کـرده او بـوده اسـت، هرچنـد موفـق بـه کشتن رئیس خود نمی‌شود. بدین‌ترتیب، ابهام موجود در پی‌رفت ۱ کـه چـه کـسی رئـیس اداره را تهدید به مرگ می‌کرده است در پی‌رفت ۲ برطرف و داستان تکمیل می‌شود.

۸. رابطهٔ مثالی پی‌رفت‌ها

در رابطهٔ مثالی پی‌رفت‌ها داستان طی پی‌رفت اصلی مطرح می‌شود و یک یا چنـد پـی‌رفـت فرعی برای مثال به‌دنبال یکی از گزاره‌های پی‌رفت اصلی می‌آید. طبق نمونهٔ بررسی‌شده در رابطهٔ مثالی، اولاً پی‌رفت‌های مثال تنها مثالی برای یک گزاره از گزاره‌های پـی‌رفـت اصـلی هستند، برخلاف رابطهٔ اجمال و تفصیل که پی‌رفت تفصیلی تک‌تـک گـزاره‌هـای پـی‌رفـت اجمالی را شرح می‌دهد. ثانیاً در رابطهٔ مثالی پی‌رفت‌های مثال به‌شیوهٔ درونـه‌گیـری در دل گزاره‌ای قرار می‌گیرند که درجایگاه مثال آن بیان شده‌اند، برخلاف پی‌رفت‌های تفصیلی که به‌شیوهٔ زنجیره‌ای به دنبال پی‌رفت اجمالی می‌آیند. داسـتان ″روز اول قبـر″ از مجموعـهٔ *روز اول قبر* صادق چوبک (۱۳۸۴: ۱۰۵-۸۱) نمونه‌ای از رابطهٔ مثـالی پـی‌رفـت‌هاسـت. در ایـن داستان پی‌رفت‌های ۳، ۴ و ۵ در حکم مثالی هستند برای گزارهٔ سوم پی‌رفـت ۱ کـه در دل آن درونه‌گیر شده‌اند:

پی‌رفت ۱	۱. حاج‌معتمد پیر شده و به فکر مرگ افتاده است. ۲. حاج‌معتمد دستور داده مقبره‌ای برای او بنا کنند و گورش را در آن بکنند. ۳. حاج‌معتمد در گور خود خوابیده و گذشتهٔ پرگناه خود را مرور می‌کند. ۴. حاج‌معتمد تصمیم می‌گیرد گذشتهٔ پرگناه خود را جبران کند. ۵. حاج‌معتمد در گور خود سکته می‌کند و فرصتی برای جبران نمی‌یابد.
پی‌رفت ۳	۱. مشدی‌عباس می‌میرد. ۲. مشدی‌عباس دخترش را به حاج‌معتمد سپرده بوده است. ۳. حاج‌معتمد دختر مشدی‌عباس را بدبخت می‌کند. ۴. _____ ۵. _____
پی‌رفت ۴	۱. حاج‌معتمد پیشکار شازده است. ۲. شازده به حاج‌معتمد دستور هر جرم و جنایتی می‌دهد. ۳. حاج‌معتمد در خدمت شازده هر جرم و جنایتی انجام می‌دهد. ۴. _____ ۵. _____

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پی‌رفت ۵	۱. حاج‌معتمد تشکیل خانواده داده است. ۲. حاج‌معتمد با همسر و فرزندانش بسیار بدرفتاری می‌کند. ۳. همسر و فرزندان حاج‌معتمد از او دل‌آزرده هستند. ۴. _____ ۵. _____

طی سومین گزاره از پی‌رفت ۱ حاج‌معتمد در ذهن خود به مرور گذشتهٔ پرگناه خود می‌پردازد. پی‌رفت‌های ۲، ۳ و ۴ هریک مثالی هستند برای گزارهٔ سوم پی‌رفت ۱ و در هرکدام از آن‌ها به نمونه‌ای از گناهان حاج‌معتمد اشاره می‌شود: در پی‌رفت ۳ حاج‌معتمد به دختر مشدی‌عباس که به امانت دست او سپرده شده بود خیانت می‌کند و موجب بدبختی او می‌شود. در پی‌رفت ۴ جرم و جنایتی که حاج‌معتمد در خدمت شازده مرتکب شده است مطرح می‌شود و پی‌رفت ۵ به گناه بدرفتاری با همسر و فرزند اشاره دارد. پی‌رفت‌های مثالی همه ناقص هستند و تنها سه گزارهٔ اول را دارند: در گزارهٔ‌های اول و دوم موقعیت انجام گناه برای حاج‌معتمد مهیا می‌شود و در گزارهٔ سوم حاج‌معتمد گناهی را که زمینه‌اش برای او فراهم شده است مرتکب می‌شود. گزاره‌های چهارم و پنجم پی‌رفت‌های مثالی به این دلیل بیان نشده‌اند که با گزارهٔ چهارم و پنجم پی‌رفت ۱ هم‌پوشانی دارند؛ به عبارتی دیگر، گزاره‌های چهارم و پنجم پی‌رفت‌های مثالی به قرینهٔ گزارهٔ چهارم و پنجم پی‌رفت ۱ محذوف هستند. در گزارهٔ چهارم تمام پی‌رفت‌ها حاج‌معتمد که خود را در آستانهٔ مرگ می‌بیند از اعمال بد خود پشیمان است و تصمیم می‌گیرد گذشتهٔ خود را جبران کند و در گزارهٔ پنجم از شدت فکر و خیال ناگهان سکته می‌کند و از دنیا می‌رود و دیگر فرصتی برای جبران نمی‌یابد.

کارکرد پی‌رفت‌های مثالی

الف. شرح و بسط موضوع: شرح و بسط موضوعی که مثال برای آن بیان می‌شود کارکرد اصلی پی‌رفت‌های مثالی است. هر پی‌رفت مثالی با ورود به جزئیات و مطرح‌کردن نمونه‌هایی، موضوع را بسط و پرورش می‌دهد و به تفهیم و القای مطلب در ذهن خواننده کمک می‌کند. در داستان مورد بررسی طی گزارهٔ سوم پی‌رفت ۱ به‌طور کلی به گناهکاربودن حاج‌معتمد اشاره می‌شود و سپس پی‌رفت‌های ۲، ۳ و ۴ هریک با بیان نمونه‌هایی از انواع گناهانی که حاج‌معتمد در طول زندگی خود مرتکب شده است به شرح و بسط موضوع می‌پردازند و این بخش از داستان را پرورش می‌دهند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

۹. رابطهٔ پرسش و پاسخی پی‌رفت‌ها

رابطهٔ پرسش و پاسخی هنگامی میان پی‌رفت‌ها برقرار می‌شود که ابتدا ضمن پی‌رفتی پرسشی مطرح شود و سپس پی‌رفت یا پی‌رفت‌های بعد در حکم پاسخی برای آن پرسش باشند. البته پی‌رفت متضمن پرسش الزاماً اولین پی‌رفت داستان نیست بلکه پی‌رفت دیگری که در حکم مقدمه‌ای برای پرسیدن سؤال است می‌تواند قبل از پی‌رفت متضمن پرسش بیاید. مطابق نمونه‌های بررسی‌شده در این نوع رابطه طی دومین گزارهٔ پی‌رفتِ متضمن سؤال پرسشی مطرح می‌شود و بلافاصله در سومین گزاره پاسخ آن می‌آید. پاسخ درقالب پی‌رفت یا پی‌رفت‌هایی است که در همین گزارهٔ سوم درونه‌گیر شده‌اند. پی‌رفت‌های پاسخی در واقع پی‌رفت‌های اصلی داستان به‌شمار می‌روند و پی‌رفت متضمن پرسش پی‌رفتی فرعی است که در حاشیه قرار می‌گیرد. "رجل سیاسی" (۱۳۸۶: ۶۷-۴۵) و "بیله‌دیگ بیله‌چغندر" (۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۰۱) هردو از مجموعه داستان *یکی بود و یکی نبود* جمالزاده نمونه‌ای از این نوع رابطه هستند. برای مثال داستان "بیله‌دیگ بیله‌چغندر" را بررسی می‌کنیم. این داستان در کل از هفت پی‌رفت تشکیل شده است که پی‌رفت‌های دوم تا ششم آن رابطهٔ پرسش و پاسخی دارند:

پی‌رفت ۲	۱. در یکی از حمام‌های فرنگستان دلاکی راوی را به‌شیوهٔ ایرانی کیسه می‌کشد. ۲. راوی از دلاک ماجرای کیسه‌کشیدن او به شیوهٔ ایرانی را می‌پرسد. ۳. دلاک ماجرا را برای راوی تعریف می‌کند.
پی‌رفت ۳	۱. یکی از شخصیت‌های معروف شهر بیمار است. ۲. مشتمال دلاک سبب بهبود حال بیمار می‌شود. ۳. بیمار به تأثیر مشتمال دلاک در بهبود حالش اعتقاد پیدا می‌کند. ۴. بیمار در منزل خود حمام کوچکی می‌سازد و دلاک را استخدام می‌کند. ۵. دلاک حکم یکی از اعضای منزل بیمار را پیدا می‌کند.
پی‌رفت ۴	۱. دولت ایران بیمار را به‌عنوان مستشار انتخاب می‌کند. ۲. بیمار دلاک را در واقع برای دلاکی و در ظاهر به‌عنوان هیئت همراه با خود به ایران می‌آورد. ۳. دلاک در ایران صاحب منصب است. ۴. دلاک عبارتی از کتاب *حاجی بابای اصفهانی* را بدین مضمون که به ایرانیان اعتماد نکنید به‌خاطر می‌آورد. ۵. دلاک اعتماد خود را به ایرانیان از دست می‌دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

پی‌رفت ۵	۱. دلاک از رندان ایران بیم دارد که مبادا مقام و ثروت او را بگیرند. ۲. دلاک تصمیم می‌گیرد با ثروتی که کسب کرده به فرنگستان بازگردد. ۳. دلاک در راه بازگشت به فرنگستان است. ۴. راهزنان داروندار دلاک را به غارت می‌برند. ۵. دلاک ثروتی ندارد.
پی‌رفت ۶	۱. دلاک بدون هیچ ثروتی در ایران است. ۲. دلاک با مشکلات فراوان خود را به فرنگستان می‌رساند. ۳. دلاک در فرنگستان فقیر و گرسنه است. ۴. دولت ایران اموال دلاک را مسترد نمی‌کند. ۵. دلاک دوباره به شغل دلاکی می‌پردازد.
ادامه پی‌رفت ۲	۴. سخنان دلاک به پایان می‌رسد. ۵. راوی از ماجرای کیسه‌کشیدن دلاک به شیوهٔ ایرانی آگاه می‌شود.

اولین ویژگی رابطهٔ پرسش و پاسخی پی‌رفت‌ها این بود که پی‌رفت پرسشی اغلب اولین پی‌رفت است، اما نه الزاماً، بلکه ممکن است پی‌رفتی دیگر به‌عنوان مقدمهٔ پرسش قبل از آن بیان شود. در داستان "بیله‌دیگ بیله‌چغندر" پی‌رفت متضمن پرسش دومین پی‌رفت داستان است که بعد از یک پی‌رفت مقدمه‌ای بیان شده است. دومین ویژگی که برای این نوع رابطه برشمرده شد، مطرح‌شدن پرسش در دومین گزاره و سومین ویژگی، بیان پاسخ بلافاصله در گزارهٔ سوم است، چنان‌که در نمونهٔ مزبور، این پرسش که ماجرای کیسه‌کشیدن دلاک به شیوهٔ ایرانی چه بوده است، در گزارهٔ دوم بیان می‌شود و بلافاصله در گزارهٔ سوم به آن پاسخ داده می‌شود. خصوصیت چهارم رابطهٔ پرسش و پاسخی مطرح‌شدن پاسخ درقالب پی‌رفت است و ویژگی پنجم درونه‌گیرشدن پاسخ در گزارهٔ سوم است؛ همان‌طورکه در داستان پاسخ درقالب چهار پی‌رفت در گزارهٔ سوم درونه‌گیر شده است. ویژگی ششم اصلی‌بودن پی‌رفت‌های پاسخ و فرعی‌بودن پی‌رفت پرسشی است، چنان‌که در داستان "بیله‌دیگ بیله‌چغندر" پی‌رفت ۱، که متضمن پرسش است، در حاشیه قرار دارد و حذف آن خدشه‌ای به اصل داستان وارد نمی‌کند؛ درعوض پی‌رفت‌های پاسخی پی‌رفت‌های اصلی داستان هستند که هدف نویسنده نیز درواقع بیان همان‌ها بوده است و با حذف آن‌ها دیگر داستان درخور خواندنی باقی نمی‌ماند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

کارکرد رابطهٔ پرسش‌وپاسخی پی‌رفت‌ها

الف. ایجاد انگیزه جهت خواندن داستان: هنگامی‌که پرسشی مطرح شود کنجکاوی برای دانستن پاسخ آن برانگیخته می‌شود. در رابطهٔ پرسش‌وپاسخی با سؤالی که در پی‌رفت فرعی پرسیده می‌شود کنجکاوی خواننده جهت دانستن پاسخ که درواقع پی‌رفت اصلی داستان است برانگیخته می‌شود. همین به‌وجودآوردن کنجکاوی ازطریق مطرح‌کردن یک پرسش، انگیزه و اشتیاق بیشتری جهت خواندن داستان ایجاد می‌کند.

ب. قراردادن موضوع داستان در اختیار خواننده: در رابطهٔ پرسش‌وپاسخی ضمن سؤالی که مطرح می‌شود موضوع کلی داستان در اختیار خواننده قرار می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر، پرسش در حکم پیش‌پرده است که موضوع کلی داستان را در اختیار خواننده قرار می‌دهد تا او در همان ابتدای داستان از موضوع کلی ماجرا آگاه شود و برای شنیدن آن آمادگی ذهنی داشته باشد. خواننده حتی با دانستن موضوع کلی داستان در همان ابتدا می‌تواند تصمیم بگیرد برای خواندن آن وقت صرف کند یا نه. مثلاً در "بیله‌دیگ بیله‌چغندر" گرچه عنوان داستان هیچ نشان آشکار و واضحی از موضوع ندارد و خواننده را از محتوای داستان آگاه نمی‌کند، اما این پرسش که چرا دلاکی در فرنگ به شیوهٔ ایرانی کیسه می‌کشد به خواننده پیشاپیش اطلاع می‌دهد موضوع کلی این داستان ماجرای دلاکی است که به شیوهٔ ایرانی کیسه می‌کشد.

۱۰. رابطهٔ اعترافی پی‌رفت‌ها

رابطهٔ اعترافی پی‌رفت‌ها را می‌توان مشابه رابطهٔ پرسش‌وپاسخی محسوب کرد، زیرا رابطهٔ اعترافی دقیقاً شش ویژگی برشمرده‌شده برای رابطهٔ پرسش‌وپاسخی را دارد. تنها وجه اختلاف میان این دو رابطه این است که در رابطهٔ پرسش‌وپاسخی طی گزارهٔ دوم پرسش و طی گزارهٔ سوم پاسخ مطرح می‌شود، ولی در رابطهٔ اعترافی در گزارهٔ دوم عاملی هست که کنشگر را به اعتراف وامی‌دارد و در گزارهٔ سوم اعتراف مطرح می‌شود. داستان «درد دل ملاقربانعلی» از مجموعهٔ یکی‌بود و یکی‌نبود جمالزاده (۱۳۸۶: ۹۹-۸۵) نمونهٔ این نوع رابطه است. در دومین گزاره از اولین پی‌رفت این داستان مخاطب راوی به او اصرار می‌کند دلیل زندانی‌شدنش را بازگو کند؛ بنابراین، اصرار مخاطب عامل به‌اعتراف‌درآوردن راوی است. اعترافات راوی بلافاصله طی سومین گزاره در قالب چهار پی‌رفت درونه‌گیر شده است.

کارکردهای رابطهٔ اعترافی نیز شبیه کارکردهای رابطهٔ پرسش‌وپاسخی است: اصرار مخاطب به راوی برای اینکه دلیل زندانی‌شدنش را بازگو کند در خواننده ایجاد انگیزه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

می‌کند تا برای شنیدن یک اعتراف مصر شود و کنجکاوانه داستان را بخواند؛ نیز پیشاپیش به خواننده اطلاع می‌دهد موضوع کلی داستان اعتراف یک زندانی است.

۱۱. رابطهٔ خاطره‌ای پی‌رفت‌ها

رابطهٔ خاطره‌ای نیز همان شش ویژگی رابطهٔ پرسش و پاسخی را دارد، با این تفاوت که در گزارهٔ دوم به‌جای پرسش عامل یادآوری خاطره مطرح می‌شود. پی‌رفت متضمن خاطره اغلب اولین پی‌رفت داستان است. عامل یادآوری خاطره در دومین گزاره می‌آید و بلافاصله بازگویی خاطره در قالب پی‌رفت در گزارهٔ سوم درونه‌گیر می‌شود. داستان‌های "کاتیا" از مجموعهٔ *سگ ولگرد* صادق هدایت (۱۳۸۵: ۷۳-۶۳)، "عروس هزارداماد" از مجموعهٔ *چمدان* بزرگ علوی (۱۳۸۷: ۵۳-۳۷)، "یک زن با مردها" از مجموعهٔ *شهری چون بهشت* سیمین دانشور (۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۲۷) و "با هم" از مجموعهٔ *غریبه‌ها* اثر احمد محمود (۱۳۸۷: ۱۰۴-۹۳) نمونه‌های این نوع رابطه هستند. برای مثال در داستان "کاتیا" طی گزارهٔ دوم پی‌رفت فرعی ۱ شنیدن یک آواز روسی خاطرات اسارت کنشگر در روسیه را به یاد او می‌آورد و خاطرات او بلافاصله درقالب یک پی‌رفت درونه‌گیر می‌شود و در گزارهٔ سوم به‌عنوان پی‌رفت اصلی داستان بازگو می‌گردد.

رابطهٔ خاطره‌ای پی‌رفت‌ها نیز کارکردی مشابه کارکرد رابطهٔ پرسش‌وپاسخی دارد: در داستان "کاتیا" اشارهٔ کنشگر به اینکه با شنیدن آواز روسی خاطرات او زنده شده است خواننده را کنجکاو می‌کند خاطرات او را بشنود و ازطرفی پیشاپیش او را از محتوای کلی داستان که خاطرات اسارت کنشگر در روسیه است آگاه می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از تحقیق و بررسی هفت مجموعهٔ داستان کوتاه فارسی که از آثار نویسندگان برجسته طی دوره‌ای پنجاه‌ساله (۱۳۰۰- ۱۳۵۰) برگزیده شد نشان می‌دهد اولاً میان پی‌رفت‌های روایات داستانی رابطه وجود دارد و ثانیاً هر نوع رابطه کارکرد یا کارکردهایی دارد. روابط میان پی‌رفت‌ها در کل به دو گروه عمده قابل طبقه‌بندی است:

گروه اول، رابطهٔ اولیهٔ پی‌رفت‌هاست که رابطه‌ای الزامی است و درهرحال میان پی‌رفت‌های روایت داستانی وجود دارد. با نظر به کارکرد این نوع رابطه که پیشبرد طرح روایت است ما آن را رابطهٔ پیشبردی نامیدیم.

گروه دوم، رابطهٔ ثانویهٔ پی‌رفت‌هاست. این نوع رابطه برخلاف رابطهٔ اولیه الزامی نیست و برحسب سبک نویسنده کمابیش در آثار داستانی حضور دارد. رابطهٔ ثانویه شامل انواع

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

گوناگونی از روابط نظیر رابطهٔ تحلیلی- چاره‌جویی، رابطهٔ تشابهی، رابطهٔ جامعیت‌بخشی و... می‌شود که هریک کارکردهایی مختص به خود دارد.

پی‌نوشت

آثار منتخب برای پژوهش حاضر هفت مجموعه داستان کوتاه فارسی از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۵۰ برگزیده شد که عبارت‌اند از: *یکی‌بود و یکی‌نبود* اثر محمدعلی جمالزاده (۱۳۰۰)، *چمدان* اثر بزرگ علوی (۱۳۱۳)، *سگ ولگرد* اثر صادق هدایت (۱۳۲۱)، *دید و بازدید* اثر جلال آل‌احمد (۱۳۲۴)، *شهری چون بهشت* اثر سیمین دانشور (۱۳۴۰)، *روز اول قبر* اثر صادق چوبک (۱۳۴۴) و *غریبه‌ها* اثر احمد محمود (۱۳۵۰).

منابع

آل‌احمد، جلال (۱۳۸۷) *دید و بازدید*. چاپ چهارم. تهران: جامه‌دران.

اخوت، احمد (۱۳۷۱) *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.

اسکولز، رابرت (۱۳۸۳) *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمهٔ فرزانه طاهری. چاپ دوم. تهران: آگه.

تادیه، ژان ایو (۱۳۷۸) *نقد ادبی در قرن بیستم*. ترجمهٔ مهشید نونهالی. تهران: نیلوفر.

تایسن، لیس (۱۳۸۷) *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. ترجمهٔ مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز/ حکایت قلم زرین.

تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲) *بوطیقای ساختارگرا*. ترجمهٔ محمد نبوی. دوم. تهران: آگه.

ـــــــــ (۱۳۸۸) *بوطیقای نثر* (پژوهش‌هایی نو دربارهٔ حکایت). ترجمهٔ انوشیروان گنجی‌پور. تهران: نی.

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۶) *یکی‌بود و یکی‌نبود*. به‌کوشش علی دهباشی. چاپ چهارم. تهران: سخن.

چوبک، صادق (۱۳۸۴) *روز اول قبر*. تهران: جامه‌دران.

دانشور، سیمین (۱۳۸۱) *شهری چون بهشت*. چاپ هفتم. تهران: خوارزمی.

سلدن، رامان (۱۳۷۵) *نظریهٔ ادبی و نقد عملی*. ترجمهٔ جلال سخنور و سیما زمانی. تهران: پویندگان نور.

صافی پیرلوجه، حسین و همکاران (۱۳۸۷) «نگاهی گذرا به پیشینهٔ نظریه‌های روایت». *نقد ادبی*. سال اول. شمارهٔ ۲: ۱۴۵-۱۷۰.

علوی، بزرگ (۱۳۸۷) *چمدان*. چاپ چهارم. تهران: نگاه.

کالر، جاناتان (۱۳۸۸) *بوطیقای ساخت‌گرا* (ساخت‌گرایی، زبان‌شناسی و مطالعهٔ ادبیات). ترجمهٔ کوروش صفوی. تهران: مینوی خرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]

گرین، کیت و جیل لبیهان (۱۳۸۳) *درسنامهٔ نظریه و نقد ادبی*. ترجمهٔ لیلا بهرانی محمدی و همکاران. تهران: روزنگار.

محمود، احمد (۱۳۸۷) *غریبه‌ها*. چاپ ششم. تهران: معین.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴) *دانش‌نامهٔ نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمهٔ مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.

هدایت، صادق (۱۳۸۵) *سگ ولگرد*. چاپ سوم. تهران: جامه‌دران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.74.5.2]